

بهینه سازی مصرف انرژی و نهضت اقتصادی

قدری دقیق تر توجه کنید. این سؤال مطرح می شود که آیا متوسط هزینه استانداردسازی هر مرغداری از نظر مصرف سوخت، بیشتر از ۵۸۰۰۰ دلار یا ۵۴ میلیون تومان خواهد بود؟ حتی اگر این استانداردسازی نیازمند رقمی دوبرابر این باشد معنای آن این است که ما با اجرای پروژه اصلاح وضعیت مرغداری ها از نظر مصرف سوخت در واقع سرمایه گذاری ای کرده ایم که ظرف حداکثر دو سال از محل صرفه جویی در سوخت و یا به عبارتی از محل نفت گاز آزاد شده، بازگشت سرمایه می شود.

اما مدیرعامل سازمان بهینه سازی مصرف سوخت در ادامه مصاحبه خود اعلام می کند که طرح بهینه سازی یا استاندارد

در سنت ایرانی، بسیار حرف های غریب هر روزه توسط مقامات و مسئولان گفته می شود و اگر ابعاد سیاسی و جناحی نداشته باشد که مورد علاقه یک جناح سیاسی برای جا انداختن خودی یا هوا کردن رقیب باشد، همه به سادگی از کنار آن عبور می کنند و آب از آب تکان نمی خورد. حرف های غریبی می شنویم که اگر نادرست باشد باید گوینده آن تحت تعقیب قرار گیرد و اگر درست باشد همه باید بر سر آن بسیج شوند. وقتی قدری این حرف ها را می شکافی ابعاد اهمیت آنها آشکار می شود. از جمله این حرف ها اظهارات اخیر مدیرعامل شرکت بهینه سازی مصرف سوخت است که در آخرین روز فروردین ماه توسط خبرگزاری "شانا" نقل شده است. وی اظهار نموده است که: اگر در ۱۵ هزار مرغداری کشور طرح معیار استاندارد مصرف سوخت اجرا شود، روزانه ۴ میلیون لیتر در مصرف نفت گاز صرفه جویی خواهد شد.

به عمق این سخن توجه فرمایید: آخرین قیمت منطقه ای نفت گاز در زمان نگارش این یادداشت در اردیبهشت ماه ۸۷ در بازار خلیج فارس حدود ۸۷ سنت یا ۰/۸۷ دلار در هر لیتر است. اگر این عدد را در ۴ میلیون لیتر مذکور ضرب کنید صرفه جویی مرغداری ها در صورت استاندارد سازی مصرف سوخت ایشان روزانه حدود ۳/۵ میلیون دلار می شود. اگر فعالیت مرغداری ها را در بدبینانه ترین شرایط ۲۵۰ روز کاری در نظر بگیریم رقم صرفه جویی سالانه نفت گاز ۱ میلیارد لیتر و ارزش دلاری آن حدود ۸۷۰ میلیون دلار خواهد شد که با احتساب هر دلار ۹۱۰ تومان این رقم معادل حدود ۷۹۰ میلیارد تومان می شود. اگر این رقم را بر ۱۵ هزار مرغداری تقسیم کنیم متوسط سهم هر مرغداری حدود ۰۰۰.۵۸ دلار یا ۵۴ میلیون تومان خواهد شد. یعنی هر مرغداری در سال معادل ۰۰۰.۵۸ دلار سوخت را تلف می کند که به سادگی قابل اجتناب است.

به این ارقام (که البته همگی متوسط است)



سوخت در کشور است. وضعیت مصرف سوخت در همه بخش‌های کشور و در همه فعالیت‌ها اگر از مرغداری بدتر نباشد بهتر نیست. بعنوان نمونه راندمان انرژی در خود شرکت‌های تولیدکننده انرژی مانند تاسیسات نفتی و یا نیروگاه‌های کشور (که مبدل انرژی هستند) را می‌توان مورد بررسی قرارداد و با استانداردهای جهانی مقایسه کرد. راندمان نیروگاه‌های ما چقدر است و متوسط راندمان نیروگاه‌های دیگر نقاط جهان چقدر است؟ البته مرغداری‌ها موارد ساده و خوبی هستند که شاید برای الگوسازی پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف سوخت مقدمه خوبی باشند. البته در این مورد تعداد ذینفعان زیاد است در صورتی که موارد فراوان دیگری وجود دارد که ممکن است از نظر فنی قدری پیچیده‌تر باشند اما از نظر تعداد ذینفعان محدودتر مثلاً بهینه‌کردن انرژی در یک کارخانه سیمان ممکن است از نظر فنی قدری پیچیده‌تر باشد اما ذینفعان آن هیئت‌مدیره یک شرکت هستند و نه پانزده هزار مرغداری.

کشورهای صنعتی که بهینه‌سازی مصرف سوخت را از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز کرده‌اند از بیش از سی سال تجربه مدون در این زمینه برخوردارند که اطلاعات آن در اختیار است و میتواند مورد استفاده و اقتباس قرار گیرد و به این دلیل ادعا می‌کنیم که مسأله آسان است.

با این اوصاف آیا پروژه‌هایی مهمتر و فوری‌تر از پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف سوخت می‌توان برای کشور سراغ کرد؟ آیا تا وقتی که چنین پروژه‌هایی وجود دارد و تا وقتی که پتانسیل عظیمی برای صرفه‌جویی انرژی در کشور وجود دارد صحیح است که ما دائماً پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌های بیشتر با هزینه‌ای بسیار گزاف‌تر از هزینه پروژه‌های بهینه‌سازی مصرف سوخت رانصب و احداث کنیم و مصرف بی‌رویه انرژی را دامن بزنیم؟ ممکن است بعضی عنوان کنند و از این نوشته نتیجه بگیرند که با افزایش قیمت سوخت و تحمیل قیمت‌های منطقه‌ای به جامعه و مثلاً مرغدارای‌ها، خود به خود چنین پروژه‌هایی انجام خواهد شد. اما نگارنده بر این باور است که در شرایط کشور ما و با سطح دانش و نگرشی که در مورد انرژی وجود دارد و خصوصاً با توجه به ساختار تورمی و تورم نهفته‌ای که به دلیل نقدینگی سرگردان در جامعه وجود دارد، در صورت افزایش قیمت، تورم تشدید می‌شود و مثلاً همین مرغداری‌ها هزینه اضافه را (پس از مقداری کُشتی

سازی مصرف سوخت مرغداری‌ها ۷۵۰ میلیارد تومان اعتبار لازم دارد. یعنی ۶۰ میلیارد تومان کمتر از رقمی که ما در سطور فوق بعنوان اضافه مصرف سوخت مرغداری‌ها حساب کردیم. بنابراین، این سرمایه‌گذاری در واقع در کمتر از یک سال بازگشت سرمایه خواهد شد. آیا واقعاً کدام سرمایه‌گذاری را کم‌ریسک‌تر، روشن‌تر و با بازگشت سریع‌تر سرمایه می‌توان پیدا کرد؟

رقم‌هایی که ذکر شد برای دولتی که گازوئیل وارد می‌کند و اگر هم وارد نکند هر لیتر گازوئیل اضافه خود را می‌تواند در بازار خلیج فارس به راحتی به فروش برساند، ارقامی ملموس و واقعی هستند. آیا بهتر نیست که دولت بجای اینکه هر سال این ارقام را پرداخت کند یکی دو سال آن را جهت اصلاح مرغداری‌ها پرداخت کند و سال‌ها از آن منتفع شود؟

از این نکته هم نباید غافل شد که اجرای چنین پروژه‌ای منافع جنبی فراوان دیگری نیز دارد. در اجرای این پروژه سیستم حرارتی مرغداری‌ها باید تعویض شود و بجای بخاری‌های قدیمی سیستم‌های گرمایی تابشی نصب شود. با نصب سیستم‌های جدید متناسب با کاهش مصرف سوخت، میزان آلاینده‌ها نیز کاهش می‌یابد و به تبع آن خطر ابتلای مرغ‌های تولیدی به بیماری نیز کاهش می‌یابد. علاوه بر این وقتی این کار در سطح ملی صورت گیرد میزان کاهش آلاینده‌ها بسیار قابل توجه است و می‌توان مجموع آن را محاسبه نمود و از اعتبارات بین‌المللی مربوط به کاهش آلاینده‌ها (طرح‌های CDM) نیز استفاده کرد که می‌تواند بخشی از هزینه را کاهش دهد و اقتصاد پروژه را بسیار جذاب‌تر کند. مدیرعامل سازمان بهینه‌سازی مصرف سوخت همچنین اشاره کرده است که با این اقدام مصرف سوخت مرغداری‌ها به ۸۰۰ میلیون لیتر در سال کاهش می‌یابد. با محاسباتی که در صدر این نوشته ذکر شد معنای این حرف این است که در حال حاضر مصرف مرغداری‌ها حدود ۸۰۱ میلیارد لیتر در سال است که در واقع ۵۵٪ آن کاهش خواهد یافت و طبعاً هزینه‌های سوخت مرغداری‌ها نیز به همین میزان کاهش می‌یابد و این می‌تواند آثار ضدتورمی داشته باشد. اجرای پروژه اصلاحی در ۱۵۰۰۰ مرغداری در سراسر کشور که می‌تواند برنامه‌ریزی شده و در زمان تعطیلی مرغداری‌ها به سرعت اجرا شود، طبعاً اشتغال‌زا نیز خواهد بود.

مرغداری تنها یک مثال و یک مورد از وضعیت مصرف

در شرایط کنونی مجموعه بی ثباتی ها و مشکلات اقتصادی کشور در کنار واردات بی رویه موجب افزایش ریسک سرمایه گذاری های مولد شده است و نتیجه آن این است که همانگونه که اشاره شد سرمایه ها به بخش زودبازده و کم ریسک زمین و ساختمان سرازیر شده اند و در صورتی که دولت متعهد به اعطای انرژی صرفه جویی شده (به قیمت های بین المللی) به سرمایه گذاران در پروژه های صرفه جویی انرژی بشود این پروژه ها مشخصات مشابهی را از نظر ریسک و سرعت بازدهی دارند و می توانند سرمایه ها را جذب خود نمایند. همچنین این پروژه ها اشتغال زائی قابل توجهی دارند و از آن بُعد نیز می توانند به اقتصاد ملی یاری رسانند.

مشکل بهره وری و پائین بودن نرخ بهره وری همه عوامل تولید یکی از مهمترین مشکلات و یا شاید به عبارت دقیق تر مهمترین عامل بحران های اقتصاد کشور است که مقابله با آن عزم و اراده ملی را می طلبد اما منافع افزایش بهره وری در هیچ کجای دیگر به اندازه افزایش بهره وری انرژی ملموس و دارای بازگشت اقتصادی سریع نیست، بنابراین علاوه بر منافعی که قبلاً ذکر شد، حرکت جدی در مسیر ارتقای بهره وری انرژی می تواند مقدمه مطلوبی برای توسعه فرهنگ بهره وری و آشکار کردن منافع آن برای تعمیم آن به سایر موارد نیز باشد.

ارتقای بهره وری در سطح ملی هزینه های تولید را کاهش خواهد داد و در مرحله بعد سرمایه گذاری های تولیدی را نیز تشویق خواهد نمود. شرط اول آن است که آن اراده و تعهد ملی وجود داشته باشد و همه منصفانه و صادقانه تصمیم بگیرند که این یکی را ضایع نکنند!

مدیر مسئول

گرفتن با دولت و اقتصاد) روی هزینه تمام شده خود می کشند و مرغ گران تر خواهد شد و تاوان آن را مردم باید بپردازند و نهایتاً اثری هم بر مصرف سوخت نخواهد داشت. در حالی که با اجرای پروژه های بهینه سازی و صرفه جویی در مصرف سوخت میزان مصرف تولید کنندگان و مصرف کنندگان نهائی از نظر مقداری کاهش می یابد و آنگاه می توانند قیمت های بیشتر سوخت را تحمل کنند.

و دیگر نکته و شاید مهمترین نکته اینکه این پروژه ها را چه کسی باید اجرا کند؟ آیا باز هم همان مدیریت دولتی ناکارآمد در همان سیستمی که پروژه دو ساله را دوازده ساله اجرا می کند؟ نه، کافی است نظام انگیزشی برای بخش خصوصی فراهم شود. چگونه؟ تاسیس شرکت های سرمایه گذاری در بهینه سازی مصرف انرژی باید تشویق شود و تنها کافی است که دولت متعهد شود در قبال سرمایه گذاری ایشان، برای چند سال سوخت صرفه جویی شده را به قیمت منطقه ای از ایشان خریداری کند و یا اجازه صدور آن را به ایشان بدهد. بعنوان مثال اگر دولت متعهد شود که همان روزی ۴ میلیون لیتر گازوئیل صرفه جویی شده را برای مثلا دو سال از سرمایه گذاری که در جهت اصلاح سیستم انرژی مرغداری ها سرمایه گذاری می کند به قیمت منطقه ای بخرد و یا اجازه صادرات آن را به ایشان بدهد هم منافع ملی تأمین می شود و هم سرمایه گذار از محل چیزی که اینک می سوزد و به هوا می رود منتفع خواهد شد. هم اکنون بخش تجاری زمین و ساختمان بدلیل ریسک نسبتاً کمتر سرمایه گذاری و سرعت بازگشت سرمایه نسبتاً مطلوب، در شرایط بحران در سایر بخش های اقتصاد، همه سرمایه ها را بطرف خود کشیده و به عاملی نگران کننده برای اقتصاد کشور بدل شده است. کدام سرمایه گذاری جذاب تری از پروژه های صرفه جویی و بهینه سازی مصرف سوخت می تواند تا حدودی این روند را تغییر دهد و سرمایه ها را به عرصه ای که منافع ملی را تضمین می کند بکشاند؟

